

بررسی نقش فرانسه در تاریخ پزشکی و خدمات درمانی دوره‌ی قاجار

(1217 تا 1347 ق/ 1795 تا 1925 م)

زینب کریمی*^۱، مصطفی ندیم^۲، فاطمه بیشی‌فر^۳

تاریخ دریافت: 98/5/11

تاریخ پذیرش: 98/10/13

تاریخ انتشار: 98/12/22

مقاله‌ی مروری

چکیده

در دوره‌ی قاجار، کشورهای اروپایی در جهت اهداف سیاسی و منافع خود، همراه با هیئت‌های نظامی، مذهبی و سیاسی‌شان، پزشکان بسیاری را به ایران روانه کردند. در این میان، حضور فرانسه بیشتر و پررنگ‌تر از بقیه‌ی کشورها بود. این پژوهش بر آن است تا به معرفی پزشکان فرانسوی، بیان عملکرد آن‌ها در ایران عهد قاجار، معرفی فعالیت‌ها و میزان اثرگذاری آن‌ها در طب این دوره و بررسی عناصر پیش‌برنده‌ی حضور این طبیبان در ایران عصر قاجار بپردازد. پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است. در زمینه‌ی یافته‌های این تحقیق، می‌توان گفت که تأثیر پزشکی فرانسه در تحولات طب نوین ایران بسیار چشمگیر بوده است، تاجایی که طب جدید را پزشکان فرانسوی در ایران پایه‌گذاری کردند. از جمله اقدامات مهم و برجسته‌ی پزشکان فرانسوی در ایران عهد قاجار، می‌توان به تأسیس بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و تشکیل شورای صحتی اشاره کرد. علاوه بر این، طبیبان فرانسوی در زمینه‌ی آموزش‌های پزشکی، نظیر چشم‌پزشکی، جراحی، میکروبی‌شناسی و...، واکسیناسیون و قرنطینه‌ها برای جلوگیری از بیماری‌های واگیردار، نگارش کتاب‌های طبی و... اقداماتی مهم انجام دادند. پزشکان فرانسوی برخلاف دیگر کشورهای اروپایی که فقط موجب بهبود وضعیت بهداشتی شدند، در تاریخ پزشکی ایران دوره‌ی قاجار تحول به وجود آوردند. در نهایت، باید گفت جامعه‌ی عهد قاجار، به‌خوبی، پذیرای طب و طبیبان فرانسوی بود؛ زیرا هم دربار قاجار و هم جامعه، به خدمات درمانی نیاز مبرم داشتند و هم دولت فرانسه، برای دستیابی به مقاصد سیاسی و اقتصادی خود، به حضور همه‌جانبه و پزشکی در ایران نیازمند بود.

واژگان کلیدی: خدمات درمانی، طب، فرانسه، قاجار

1. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، بخش تاریخ، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

2. دانشیار، مرکز تحقیقات توسعه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

3. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، بخش تاریخ، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ایران.

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه: شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دفتر بخش تاریخ، تلفن: ۰۷۱۳۶۱۳۳۴۶۲.

Email: zeinabkarimi3197@gmail.com

مقدمه

در اوایل قرن دهم، با اعزام هیئت‌های تجاری کمپانی هند شرقی و نیز، هیئت‌های مذهبی مسیحی به ایران، پای طب غربی، کم‌کم، به کشور باز شد. در دوره‌ی افشاریه و زندیه هم، با رکود طب ایرانی، پزشکان فرنگی همراه هیئت‌های یادشده، همچنان، به ایران رفت‌وآمد می‌کردند و نادرشاه به درمان آنان اعتقادی زیاد داشت. از این میان، حضور پزشکی فرانسه، بیشتر از دیگر دولت‌های اروپایی بود؛ به‌طوری‌که طبیب نادرشاه، نوشته بازن^(۱)، کشیش و طبیبی فرانسوی است که در اواخر حیات نادرشاه در خدمت او بود و در نامه‌هایش، اطلاعاتی راجع به آخرین سال‌های حکومت نادرشاه بیان کرده است.

در عصر قاجار، تعامل ایرانیان با اروپاییان وجوهی گوناگون پیدا کرد. ورود پزشکان اروپایی به ایران که از جدیدترین یافته‌های علم طب آگاه بودند، بخشی از این مناسبات دوسویه را به خود اختصاص می‌داد. در این میان، بیشتر این پزشکان با برخورداری از حمایت دولت‌هایشان و کمپانی‌های اروپایی مستقر در شرق، با خیالی آسوده‌تر در ایران به فعالیت می‌پرداختند. آن‌ها، علاوه بر طب، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی نیز، ایفای نقش می‌کردند (۱). تحقق رؤیای ناپلئون بناپارت درخصوص تشکیل امپراتوری شرقی، منوط به فتح هندوستان بود و لازمه‌ی این امر نیز، عبور سپاهیان از ایران بود؛ از این‌رو، یک هیئت نمایندگی فرانسوی برای جلب رضایت فتحعلی‌شاه و کسب اجازه‌ی عبور از خاک ایران، به دربار وی فرستاده شد. از آن‌سو، رقیب دیرینه‌ی فرانسه، یعنی انگلیس و کمپانی هند شرقی، برای اینکه طرح ناپلئون را با شکست مواجه کنند، هیئتی مشابه به دربار ایران اعزام کردند. بدین‌ترتیب، با اعزام این هیئت‌ها، پزشکان اروپایی نیز وارد ایران شدند و این‌گونه

بود که طب غربی، به تدریج، به سنگرهای طب جالینوسی نفوذ پیدا کرد (۲).

در میان پزشکان واردشده به ایران، شمار پزشکان انگلیسی و فرانسوی بیش از دیگر همتایان بود. در آغاز عهد قاجار، به دلیل همسایگی ایران با هندوستان تحت امر بریتانیا، نمایندگانی زیاد از سوی لندن و دولت انگلیسی هند به ایران وارد شدند. معمولاً، در هر هیئت سیاسی یا تجاری، یک یا چند پزشک یا جراح حضور داشت. پزشکانی که سفارت‌خانه‌های فرانسه و انگلیس را همراهی می‌کردند، خدمات خود را به عموم مردم گسترش دادند. اصولاً، حسن رابطه‌ای که ایران با فرانسه داشت، سبب شد که ایرانیان، گاهی، همه‌ی اروپا را فرنگ (مشتق از فرانسه) بنامند (۳). در میان کشورهای اروپایی در زمان قاجار، کشور فرانسه از لحاظ پزشکی، وضعیتی ویژه داشت. پیشرفت‌های پزشکی کشور فرانسه تا پایان قرن سیزدهم قمری، به دلیل تأسیس دانش‌سرای عالی پاریس و دانشکده‌ی پزشکی در این کشور بود؛ از این‌رو، در روزگار قاجار و سال‌ها پس از آن، بیشترین محصلان به این کشور فرستاده شدند. بدین‌ترتیب، فرانسه تأثیری مهم در حیات اجتماعی و بالطبع، حیات طبی ایران دوره‌ی قاجار بر جای نهاد. از اوایل سلطنت محمدشاه قاجار، تعداد پزشکان فرانسوی در ایران افزایش یافت؛ به‌طوری‌که، در دربار شاهان قاجار، به‌ویژه محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، طبیبان فرانسوی از نظر شمار و جایگاه علمی، برتر از رقیبان خود بودند.

در این مقاله، سعی بر آن است ضمن بررسی نقش و عملکرد طبیبان فرانسوی در عصر قاجار، شرح و تحلیلی از فعالیت‌های طبی فرانسه در ایران و واکاوی دلایل حضور پررنگ فرانسه در طب ایران دوره‌ی قاجار ارائه شود؛ لذا این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالاتی است؛ از قبیل اینکه چرا دولت‌های اروپایی، به‌ویژه فرانسه، در سده‌ی نوزدهم و

1. Bazin

تاکنون، پژوهشی پیرامون نقش پزشکی و درمانی کشور فرانسه در طب دوره قاجار، به صورت مستقل، صورت نگرفته است.

روش کار

در این مقاله، تکیه‌ی اصلی بحث، بر ارائه، توصیف و سپس، تحلیل داده‌های تاریخی (نقلی) و اسناد آرشیوی مربوط به امور طب دوره قاجار است؛ پس، هدف نه توصیف صرف است و نه تاریخ‌نویسی، بلکه سعی کرده‌ایم با روشی منظم و منطقی، اطلاعات توصیفی موجود در کتاب‌ها، منابع تاریخی دوره قاجار و اسناد آن دوره را در قالبی مشخص، با عنوان مقاله‌ی یادشده، بریزیم و بر این اساس، تصویری منسجم از فعالیت و حضور پزشکی و درمانی فرانسه در طب و طبابت دوره قاجار ارائه دهیم.

با توجه به نوع کتاب و اسناد استفاده‌شده، روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است و در صورت نیاز، از پایگاه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای مربوط استفاده شده است.

در نحوه‌ی بیان مطالب، تلاش شده است که ترکیبی از روش‌های توصیفی و تحلیلی به کار گرفته شود و ضمن توصیف فعالیت پزشکی و درمانی فرانسویان، به تحلیل دلایل حضور فعال و پررنگ فرانسه در امور طب دوره قاجار و از طرفی، دلایل توجه بسیار زیاد دربار ایران به فرانسه پرداخته شود.

در این تحقیق، کتاب‌ها و اسناد موجود و در دسترس، مطالعه شده است. اطلاعات و مباحث مربوط به فعالیت پزشکی و درمانی در دوره قاجار و حضور و عملکرد فرانسویان، استخراج و در قالب‌های منظم، دسته‌بندی شده و سپس، تحلیل‌های لازم پیرامون آن صورت گرفته است.

پزشکان فرانسوی در دوره قاجار

دکترلابات: لابات^۱ فرانسوی، از سال ۱۸۴۲م/ ۱۲۵۸ق،

دوره قاجار از میان مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی، به پزشکی و طب، اهمیتی زیاد می‌داده‌اند؟ چرا بهترین پزشکان خود را به ایران اعزام می‌کرده‌اند؟ چه نیروی جاذبه‌ای زمینه‌ی حضور پزشکان فرانسوی در ایران را فراهم می‌آورده است؟.

مفروضات اصلی بحث نیز، عبارت است از: بیشترین حضور طبی و به‌طورکلی، فرهنگی و اجتماعی دولت‌های اروپایی در ایران دوره قاجار، برای فرانسویان بوده است؛ بیشترین دوره‌ی زمانی و تنوع فعالیت پزشکان نیز، در اختیار فرانسه بوده است. دلیل این مسأله، نیاز دوجانبه‌ی ایران و فرانسه، البته هرکدام برای منافع خاص خود، بوده است؛ برای ایران، نیاز به طب نوین و برای فرانسه، پیشبرد منافع بین‌المللی آن کشور دلیل حضور پزشکان فرانسوی در ایران بوده است.

در این مقاله، علاوه بر مطالعه‌ی کتاب‌های تاریخی و استخراج اطلاعات مربوط به حوزه‌ی پزشکی و طبابت دوره قاجار و بررسی عملکرد طبی فرانسه، اسنادی نیز از مرکز اسناد ایران دریافت و بررسی و مطالعه‌ی دقیق شد که در پیشبرد نتایج این تحقیق راهگشا بود.

در حوزه‌ی مربوط به مسائل طبی دوره قاجار، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌ها، به حوزه‌ی مطالعه‌ی طب سنتی این دوره پرداخته‌اند. اگر هم به طب نوین این دوره پرداخته باشند، به نقش طبی فرانسه توجه نکرده‌اند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «استخدام اولین دندان‌پزشک اروپایی، در سال ۱۲۹۳ق و پایه‌گذاری دندان‌پزشکی نوین» از هاشمیان (۱۳۸۲) (۴)، «چگونگی نفوذ و گسترش زبان فرانسه در ایران، با تکیه بر نقش مدارس (از آغاز دوره قاجار تا جنگ جهانی یکم)»، نوشته‌ی سلطان‌یان (۱۳۹۱) (۵)، «مدارس جدید در دوره قاجاریه؛ بانیان و پیشروان» از قاسمی پویا (۱۳۷۷) (۶) و «مسیون‌های فرانسوی در اصفهان عصر قاجار»، نوشته‌ی کججاف و دهقان‌نژاد (۱۳۸۷) (۷) اشاره کرد.

1. Lobut

سال، به درمان و طبابت پرداخت؛ ولی خود به علت مسمومیت درگذشت (۹).

دکتر ژوزف دزیره طولوزان: بعد از فوت دکترکلوکه، طولوزان^۲ فرانسوی پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه شد (۱۰). به همت او، اصلاحاتی شایان توجه در امور بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماری‌ها به عمل آمد. وی بنیان‌گذار و رئیس مجلس «حفظ الصحه» بود. دکتر طولوزان اقداماتی مهم در قرنطینه و گسترش واکسیناسیون عمومی انجام داد. در آن سال‌ها، اپیدمی وبا، طاعون و خناق، هر از چند گاه، از کشورهای مجاور به ایران می‌رسید و هیچ اقدامی تا پیش از تشکیل مجلس صحه برای جلوگیری از گسترش این بیماری‌ها انجام نمی‌شد. دکتر طولوزان تعدادی پزشک نیز، برای مبارزه با بیماری‌های واگیر، به شهرستان‌ها اعزام کرد. طولوزان، آگوفونی و سمع (صوت بزی) را در دارالفنون معرفی کرد که به نوشتن رساله‌ی سمع و دق منتهی شد. او، سپس، رساله‌ی درباره‌ی «گنه گنه شناسی»، علمی که به کشف سین کونا^۳ و کاربردش در پزشکی اشاره دارد، به زبان فارسی نوشت و به کاربردهای فارماکولوژیک^۴ و درمانی و نیز، پیشرفت اخیر اروپایی‌ها در این گستره پرداخت. در نهایت، طولوزان کتابی مرجع با عنوان *بدایع الحکمه* نوشت که نسخه‌ی لیتوگرافی آن در تهران، در ۱۸۶۱م/ ۱۲۷۷ق به چاپ رسید (۱۱). وی علاوه بر طبابت شاه و درباریان، به عده‌ای از ایرانیان، خارج از دارالفنون، درس طب و جراحی می‌داد و بسیاری از شاگردان مدرسه‌ی طب، حتی پس از فارغ‌التحصیلی، دوره‌ی تکمیلی و تخصصی را نزد او می‌دیدند و پس از آنکه در کار خود مهارت می‌یافتند، به طبابت می‌پرداختند. دکتر طولوزان، همچنین، زمینه‌ی تحصیل برخی از شاگردان مستعد را به اروپا فراهم و دولت را به این کار تشویق کرد. به کمک همین شاگردان و همکاران بود که

پزشک ویژه‌ی محمدشاه بود. او که در حاجی‌ترخان روسیه به فراگیری دوره‌ی جراحی پزشکی قانونی مشغول بود، توسط حاجی‌میرزا آغاسی صدراعظم، به تهران فراخوانده شد. محمدشاه، زیر نظر وی، به درمان خود پرداخت و به او و دستورات پزشکی‌اش بسیار اعتماد داشت؛ از این‌رو، وی را «شیر» می‌خواند و لقب «خان» به او عطا کرد. اعتماد محمدشاه به لابات به حدی بود که به وی می‌گفت تو اگر زهر به من تجویز کنی، می‌خورم؛ زیرا می‌دانم که برای درمان من مؤثر است. او در ایران به «لابات‌خان» معروف بود و بعد از دو سال خدمت، به علت بیماری ورم کبد به کشور خود بازگشت. دکتر لابات، اندکی بعد، در فرانسه درگذشت (۴).

دکتر کلوکه: کلوکه^۱، پزشک فرانسوی، در سال ۱۸۴۶م/ ۱۲۶۳ق، به ایران آمد و پزشک دربار محمدشاه قاجار شد. در سال ورود کلوکه به ایران، بیماری وبا در تهران شیوع پیدا کرد و شاه، در کمال تشویش و اضطراب، به یکی از دهکده‌های کوهستانی پناه برد. این فرار عجولانه‌ی شاه، باعث اضطراب و فرار دسته‌هایی از مردم نیز، شد. در جریان این وبا، پسر هفت‌ساله‌ی محمدشاه، یکی از دختران و دو همسرش، به علت وبا درگذشتند (۲). طبق نظر دکتر کلوکه، طی این اپیدمی، حدود ده درصد از جمعیت تهران (به‌عنوان مثال، دوازده هزار نفر) درگذشتند (۸).

بعد از فوت محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ق)، پسرش ناصرالدین‌شاه بر تخت نشست و دکتر کلوکه همچنان به‌عنوان طبیب دربار باقی ماند. ناصرالدین‌شاه برای اینکه تحولی در وضع طبابت و تحصیل طب به وجود آورد، دکتر کلوکه، پزشک مخصوصش، را مأمور کرد تا عده‌ای را نزد خود بپذیرد و به آنان طب نوین تعلیم دهد؛ همچنین، به او دستور داده شد امتحاناتی برای اطبا ترتیب دهد و به آنان جواز طبابت داده شود. بدین ترتیب، دکتر کلوکه در تهران تدریس طب می‌کرد و جلسات او جدا از «دارالفنون» بود. او، در مجموع، مدت هجده

2. Tholozan

3. Sin Cuna

4. Pharmacological

1. Cloquel

بیماری‌های مسری، به ولایات فرستاد.

- وی تالیفاتی به شرح زیر داشت: زبده‌الحکمه ناصری در باب خواص گنه گنه، بدایع الحکمه در باب شنیدن اصوات قلب و ریه، قانون نظم قشون، رساله‌ای در طب عمومی مطبوع و طرز جلوگیری و معالجه طاعون از تالیفات دکتر طولوزان است.

- همچنین، چندین کتاب فرانسه را به زبان فارسی برگرداند (۲).

دکتر ژرژ ژرژ^۳، طبیب و معلم امراض داخلی که در سال ۱۳۲۳ق، به وسیله‌ی مرحوم سید علاء الملک محمدخان، وزیر علوم معارف، برای تدریس در دارالفنون استخدام شد. وی استاد فیزیولوژی و آسیب‌شناسی داخلی بود. دکتر ژرژ، در سال ۱۹۰۵م/۱۳۲۳ق، وارد ایران شد و پس از اقامتی شش‌ساله، در سال ۱۹۱۱م، برای همیشه ایران را ترک کرد و به فرانسه بازگشت (۱۷).

دکتر گاله: گاله^۴ معلم جراحی دارالفنون بود که به همراه دکتر ژرژ، استخدام شد و به ایران آمد. طولوزان و دکتر گاله، قبل از آمدن به ایران، معلم مدرسه‌ی طب نظامی لیون بودند. دکتر گاله نقاشی خیلی خوب بود و چون تشریح توصیفی درس می‌داد، این هنر او به پیشرفت شاگردان بسیار کمک کرد (۱۸).

دکتر راتوله: راتوله^۵ از چشم‌پزشکان و کحالان معروف فرانسوی است که در اواخر حکومت ناصری به ایران آمد. وی شاگرد چشم‌پزشکی مشهور آن زمان، گالزفسکی^۶، بود. دکتر گالزفسکی، مدتی، به عنوان پزشک مخصوص ظل السلطان به درمان چشم درباریان پرداخت و پس از بازگشت او به اروپا، دکتر راتوله، در سال ۱۸۹۴م/۱۳۱۱ق، به وسیله‌ی مخبرالدوله علی‌قلی خان هدایت، برای معلمی مدرسه‌ی طب

سلسله کتاب‌های طبی و غیرطبی در ایران را انتشار داد (۱۲). دیولافوا^۱ درباره‌ی طولوزان می‌نویسد: «...امراض محلی را با دقت مطالعه کرده است. کتب مفیدی راجع به تولید وبا و منشأ طاعون خپارکی که در بین‌النهرین و قفقاز و ارمنستان بروز می‌کند، نوشته است. تحقیقات او راجع به مرض دیفتری که در خاورزمین زیاد است، خالی از استفاده نیست. دکتر طولوزان، علاوه بر اینکه دکتر و معالج شاه است، سمت مشاور و مصاحبت او را دارد» (۱۳ و ۱۴). وی در سفری که همراه پادشاه به انگلستان داشت، عنوان «شوالیه» را دریافت کرد (۱۵).

دکتر طولوزان، طی سال‌های ۱۸۹۷ تا ۱۸۵۹م (تا بعد از مرگ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۱۳ق)، نزدیک به ۳۸ سال، به پزشکی و دارو و درمان ایران خدمت کرد. وی در سه سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا، بر آن شد برای همیشه به کشورش فرانسه بازگردد؛ به همین دلیل، دکتر فوریه^۲ را به عنوان جانشین خود معرفی کرد (۱۶). با وجود این، پس از مدتی اقامت در فرانسه، به ایران بازگشت. وی مکتبی در ایران به یادگار گذاشت و توانست شاگردانی چون: ناظم‌الاطباء، مؤتمن‌الطباء، نظام‌الاطباء، اعلم‌الدوله ثقفی، لقمان‌الدوله و...، به جامعه‌ی پزشکی تحویل دهد. سرانجام، در ۱۸۹۷م/۱۳۱۴ق، در ۷۷ سالگی، در تهران درگذشت و در قبرستان کاتولیک‌ها، واقع در اکبرآباد تهران، به خاک سپرده شد.

خلاصه‌ی فعالیت‌های دکتر طولوزان:

- او هیئتی بهداشتی تأسیس کرد.
- روش قرنطینه‌ای ابتدایی به وجود آورد.
- واکسیناسیون عمومی را که دکتر کلوکه آغاز کرده بود، تجدید کرد.
- تعدادی پزشک را که تحت نظر خودش در دارالفنون تربیت شده بودند، همراه با وسایل لازم، برای مبارزه با

3. Georges
4. Gualiel
5. Rrtulde
6. Galzewski

1. Diolafoa
2. Fourie

۱۳۱۳ق، وارد دستگاه مظفرالدین‌شاه شد. شنیدر مجلس حفظ‌الصحه ایران را تأسیس کرد و خود مدت‌ها رئیس این مجلس بود. نبود پزشک داروساز در مدرسه‌ی دارالفنون سبب شد که شنیدر مظفرالدین‌شاه را متقاعد به استخدام داروساز کند (۱۷): به همین دلیل، در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق، گوستاو لوکونت^۲ برای این کار به ایران آمد و برای تدریس داروسازی در مدرسه‌ی دارالفنون استخدام شد. دکتر لوکونت، علاوه بر تدریس، با همکاری دکتر شنیدر، دکتر کوپن^۳ و دکتر مورل^۴، در صدد تشکیل مؤسسه‌ی واکسن‌سازی تهران برآمد که بعد از مرگ مظفرالدین‌شاه، به سرانجام مطلوبی منجر نشد (۴). شنیدر، سازمان‌دهی آموزش و تربیت طبای کشور را بر عهده گرفت (۲۱). دکتر شنیدر، هم‌زمان، رئیس انجمن منطقه‌ای آلیانس فرانسه در ایران نیز، بود. او انجمن محلی را به تأسیس مدرسه‌ای فرانسوی در تهران تشویق کرد. این طرح در سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م به مرحله‌ی اجرا درآمد و از سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۰م، مدرسه‌ی آلیانس فرانسه کار جدی خود را با هشت شاگرد آغاز کرد و در سال‌های پس از آن توسعه یافت (۱۷). ساخت و گسترش مدارس آلیانس و مدارس میسیونری و تبلیغات فزاینده‌ی آنها در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه، با توجه به لاقیدی سیاسی او نسبت به پدرش، امری طبیعی بود.

دکتر گاشه و دکتر دوشن مارولا: گاشه^۵ و دوشن مارولا^۶، در اصل، به‌عنوان جانشین دکتر ژرژ و دکتر گاله در مدرسه‌ی دارالفنون به استخدام دولت درآمدند. آنها، مانند طبیبان دیگر، در ارتش فرانسه به خدمت مشغول بودند و به‌عنوان جراح نیروی دریایی به فعالیت می‌پرداختند. دکتر گاشه، بیشتر، عهده‌دار تدریس فیزیولوژی بود و دکتر دوشن برای معلمی امراض خارجی به ایران آمده بود (۱۷).

دارالفنون به استخدام دولت ایران درآمد و سالی ۲ هزار تومان برای وی حقوق تعیین شد. دکتر اتوله، علاوه بر تدریس در دارالفنون، به عمل جراحی در بیمارستان دولتی نیز، مشغول بود. او مدت دو سال در ایران اقامت داشت و در طی این مدت، شاگردانی برجسته تربیت کرد که از آن جمله می‌توان از دکتر مؤدب السلطنه بهرامی، شاهزاده لسان‌الحکما (شمس) و... نام برد (۹).

دکتر ژان باتیست فوریه: ژان باتیست فوریه در جریان سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا، در سال ۱۸۸۹م/۱۳۰۶ق، که شش ماه و دوازده روز به طول انجامید، توسط دکتر طولوزان به شاه معرفی شد. طولوزان به دلیل کهولت سن و رفتن به کشورش برای مرخصی، او را به‌عنوان نایب خود به ناصرالدین‌شاه معرفی و موافقت شاه را جلب کرد. فوریه در همین سفر، همراه ناصرالدین‌شاه به ایران آمد و پس از سه سال خدمت در دربار ایران، در سال ۱۸۹۲م/۱۳۰۹ق، به کشورش بازگشت. او بیشتر در رشته‌ی طب و خدمت به شاه و درباریان به فعالیت پرداخت؛ اما مواقعی هم دیده می‌شد که به جراحی چشم بپردازد؛ به‌عنوان مثال، عمل جراحی چشم بدر السلطنه را در عمارت گلستان با موفقیت انجام داد. وی مجموعه‌ی مشاهدات خود را در کتابی با‌عنوان سه سال در دربار ایران به رشته‌ی تحریر درآورد (۱۹).

موفقیت دکتر فوریه نمونه‌ای از آغاز رویارویی طب جدید و قدیم در جامعه‌ی ایران بود؛ تقابلی که برتری روزافزون روش‌های نوین درمانی را در پی داشت (۲۰).

دکتر شنیدر: شنیدر^۱ با پافشاری دکتر طولوزان، ابتدا، به‌عنوان دستیار و همکار او و سپس، به‌عنوان پزشک نایب السلطنه کامران میرزا وارد دستگاه دولتی ایران شد. دکتر شنیدر، پس از مدتی اقامت در ایران، در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌عنوان پزشک مخصوص او انتخاب گردید. وی پس از مرگ ناصرالدین‌شاه، در سال ۱۸۹۵م/

1. Schnieder

2. Gustav Leuconte
3. Coupon
4. Morel
5. Gash
6. Duchenne Marula

فرانسوی پاستور، دکترمارسل بالتازارد^۵ (۱۹۰۸ تا ۱۹۷۱م) بود که در سال ۱۹۴۶م به ایران آمد و تا سال ۱۹۶۱م، به‌عنوان رئیس مؤسسه باقی بماند. بعد از وی، ریاست پاستور به دکترمهدی قدسی سپرده شد (۲۳).

در بین سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵، بیشتر از ۱۹۳ هزار واکسن آبله به‌وسیله‌ی مؤسسه‌ی پاستور تولید شد و این میزان از ۶/۴۴ درصد به ۶/۷۵ درصد افزایش یافت (۲۴). در سال‌های بعد از آن، این مؤسسه، به‌عنوان نهادی آموزشی و پژوهشی، خدماتی مهم را به جامعه‌ی پزشکی ایران ارائه کرد.

دکترمنار و انستیتو پاستور ایران

دکترژوزف منار، نخستین رئیس انستیتو پاستور ایران بود. در سال ۱۹۱۹م/۱۳۳۷ق، هیئت نمایندگی ایران، به ریاست فیروزمیرزا نصرت‌الدوله، در محل انستیتو پاستور پاریس با پروفیسور امیل رو^۶ ملاقات کرد و شالوده‌ی تأسیس انستیتو پاستور در تهران پی‌ریزی شد. سه ماه بعد، پرفیسور رنه لگرو^۷ موافقت‌نامه‌ای را با فیروزمیرزا نصرت‌الدوله امضا کرد. پس از آن، دکترمنار که از محققان به‌نام انستیتو پاستور پاریس بود، به تهران اعزام شد. وی در ساختمانی معمولی و استیجاری، انستیتو پاستور ایران را به راه انداخت (۲۵). دکترمنار در همان ساختمان مسکونی و با مواد و لوازم و وسایل آن زمان که در حد مقدماتی مهیا شده بود، پاره‌ای از واکسن‌ها و سرم‌هایی که برای مصارف بهداشتی و درمان، بیشتر نیاز بود، ساخت و در اختیار مؤسسات ذی‌ربط قرار داد. منار، بعد از پنج سال فعالیت مؤثر و سودمند و نوشتن یک رساله، در سال ۱۹۲۵م/۱۳۴۴ق، به اروپا برگشت و سرپرستی انستیتو پاستور ایران به دکترابوالقاسم بهرامی سپرده شد. در قراردادی که بین شاهزاده‌نصرت‌الدوله، وزیر امور خارجه و دکترمنار بسته شد، مواد ذیل مقرر گردید: «ماده‌ی ۱: دکترمنار، برای مدت ده

دکترکوپن: به مناسبت مسافرت مظفرالدین‌شاه به پاریس، در سال ۱۹۰۰م/۱۳۱۷ق، سفارت فرانسه در ایران، موافقت دولت متبوع خود را با اعزام دکترکوپن، پزشک نظامی افواج مستعمرات، به تبریز نزد محمدعلی‌میرزا، ولیعهد، جلب کرد. کوپن، در سال ۱۹۰۱م وارد تبریز شد و به‌عنوان پزشک مخصوص شاه به انجام وظیفه پرداخت. او مدتی زیاد در این مقام باقی نماند و با سقوط حکومت محمدعلی‌شاه، مقام خود را در دربار ایران از دست داد. کوپن آخرین پزشک فرانسوی دوره‌ی قاجار بود؛ زیرا احمدشاه، پسر و جانشین محمدعلی‌شاه، پزشکی مخصوص که فرانسوی باشد؛ نداشت. دکترکوپن پس از نه سال، در سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق، ایران را ترک کرد و به فرانسه بازگشت (۱۷).

دکتردوکلو: یکی دیگر از پزشکان فرانسوی در دربار محمدشاه، دوکلو^۱ بود که هم‌زمان با دکترکلوکه به دربار ایران آمد و از سوی امیرکبیر، از کار برکنار و به کشورش فرستاده شد (۲۲).

مؤسسه‌ی انستیتو پاستور ایران

مؤسسه‌ی «پاستور» در ۲۴ آگوست ۱۹۲۱ در تهران افتتاح شد. این مؤسسه، به درخواست دولت ایران، با توافق و حمایت علمی فرانسه، تحت سرپرستی پرفیسور پیر ژکس^۲ (۱۸۵۳ تا ۱۹۳۳م)، رئیس کل مؤسسه‌ی پاستور پاریس، ایجاد شد. اولین رئیس پاستور، دکترژوزف منار^۳ بود که به‌وسیله‌ی پرفیسور ژکس معرفی شد. وی تا سال ۱۹۲۵م در این منصب قرار داشت. دومین رئیس فرانسوی پاستور در ایران، دکترکراندل^۴ بود که در سپتامبر ۱۹۲۶م به تهران آمد و تا سال ۱۹۳۴م در ایران ماند و در گورستان کاتولیک‌های تهران به خاک سپرده شد. در این دوره، مؤسسه گسترش یافت، به‌ویژه، بخش واکسیناسیون آن با تأکید بر واکسن آبله، سومین رئیس

1. Duclos
2. PierreRoux
3. Joseph Menar
4. Crandell

5. Marcel Baltazar
6. Emile Rou
7. Rene Legrow

مشارالیه در دریافت مخارج مراجعت و فوق‌العاده محروم خواهد بود؛ ۱۴. در صورتی که به واسطه‌ی انجام وظایف مرجوعه حادثه‌ای برای دکترمنار روی دهد یا مبتلابه مرضی شود که باعث انقطاع این کتترات گردد، متناسب با شدت علت مزاج یا نقض اعضا و جوارح درباره‌ی مشارالیه پرداخته خواهد شد. در صورتی که به واسطه‌ی همین مسائل فوت نماید، به عیال او و اطفالش تا سن بلوغ (۲۱ سالگی) به‌عنوان مستمری پرداخته خواهد شد؛ ۱۵. اگر اشکالاتی در تفسیر و توضیح این کتترات پیش آید و در صورت عدم توافق حکمین، اشکالات مزبوره به آرای قطعی حکم ثالثی که با توافق نظر حکمین اولیه انتخاب شده است، مرتفع می‌گردد و حکمیت در طهران واقع خواهد شد؛ ۱۶. این کتترات از روزی که به امضای دکترمنار برسد، به موقع اجرا گذاشته می‌شود» (۲۵).

سایر پزشکان فرانسوی در ایران

دکتر سورل: سورل^۱ پزشک درجه دوم ارتش فرانسه، پزشک خصوصی شاهزاده‌ظل‌السلطان، پسر ارشد ناصرالدین‌شاه و حاکم اصفهان بود.

دکتر بونگران: بونگران^۲ دستیار نظامی ارتش مستعمراتی فرانسه، پزشک خصوصی شاهزاده‌نایب‌السلطنه، برادر مظفرالدین‌شاه و وزیر جنگ (کامران میرزا) بود.

دکتر بوسیر: بوسیر^۳ پزشک نظامی درجه دوم ارتش مستعمراتی فرانسه بود که در سال ۱۳۱۹ق/ ۱۹۰۲م، به‌عنوان حکیم‌باشی گمرکات خلیج فارس منصوب شد. دکتر بوسیر در بوشهر درمانگاهی دایر کرد و از سال ۱۹۰۴م در آنجا به معالجه بیماران پرداخت. او، در ششم ژوئن ۱۹۰۴م، درباره‌ی شیوع بیماری وبا و اخذ تصمیمات ضروری و عاجل برای پیشگیری از آن به دولت ایران هشدار داد. وی به سبب حسن نیت بشردوستانه، در هنگام وبا، از علاج کردن فقرا و فلاکت‌زده‌ها دریغ نکرد.

سال، به ریاست انستیتو پاستور ایران استخدام می‌شود؛ ۲. نظام‌نامه‌های انستیتو پاستور، مشاغل مدیر انستیتو پاستور را تعیین می‌کند؛ ۳. دکترمنار عضو مجلس حفظ‌الصحه ایران خواهد بود و در تمام مسائل راجع به امراض انسانی و حیوانی، با او مشاوره خواهد شد؛ ۴. آقای دکترمنار تدریس علم میکروبی‌شناسی خواهد نمود، در مواقع شیوع امراض (پیدمی) مأمور اداره‌کردن ترتبات جلوگیری مرض بوده و اطبای ایرانی را به وسایل جدیدی دفاع از امراض آشنا خواهد ساخت؛ ۵. آقای دکترمنار، در تمام مدت، متعهد می‌شود که مطب خصوصی نداشته و در ازای امتحانات لابراتوار، حقی دریافت ندارد؛ ۶. برای اینکه دکترمنار در عملیات خود آزادی کامل داشته باشد؛ ۷. سالانه حقوق دکترمنار پنج هزار تومان باشد و مسافرت‌های آقای دکترمنار که برای مشاغل او الزام می‌شود، به خرج وزارتخانه است که مشارالیه را مأموریت می‌دهد؛ ۸. دکترمنار با خانواده‌ی خود در عمارت انستیتو پاستور منزل خواهد کرد و مخارج روشنایی و سوخت مشارالیه پرداخت خواهد شد و اثاثیه‌ی منزل او، به‌طور رفاهیت، از طرف دولت تهیه می‌شود؛ ۹. برای آمدن به ایران مبلغ ۲ هزار فرانک، به‌عنوان خرج مسافرت، به مسیومنار داده می‌شود و در موقعی که قطعاً، از ایران عزیمت نماید، معادل همین مبلغ با او کارسازی می‌شود؛ ۱۰. آقای دکترمنار در مسافرت‌های خود آزادی گمرکی خواهد داشت؛ ۱۱. آقای دکترمنار، هر ساله، در فصل تابستان حق یک ماه مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت؛ ۱۲. آقای دکترمنار متعهد می‌شود در تمام مدت این کتترات، تجارت نکرده و از دخول در مسائل سیاسی اجتناب نماید؛ ۱۳. در صورتی که این کتترات توسط دولت ایران فسخ شود، دولت علیه، علاوه بر مخارج مراجعت، یک سال حقوق، به‌طور فوق‌العاده، به آقای دکترمنار خواهد پرداخت. اگر مدت آقای دکترمنار در ایران، کمتر از سه سال باشد، فوق‌العاده‌ی مزبور فقط معادل شش ماه حقوق خواهد بود. در صورتی که کتترات توسط دکترمنار فسخ شود،

1. Sorel
2. Bongrand
3. Bossere

داروسازی در دارالفنون، موظف بود در سفرهای داخل کشور، مظفرالدین‌شاه را همراهی کند (۲۶). لوکنت، به‌عنوان بازرس متخصص گمرکات ایران، به انجام وظیفه مشغول بود (۱۷).

دانتان: دانتان^{۱۰}، دستیار پرفسور شو^{۱۱} در موزه‌ی علوم پاریس و استاد تاریخ طبیعی در مدرسه‌ی طب تهران (از سال ۱۹۰۵م) بود.

اولمار: اولمار^{۱۲}، رئیس آزمایشگاه شیمی دانشگاه سوربن و استاد فیزیک و شیمی در مدرسه‌ی طب تهران (از سال ۱۹۰۵م) بود (۱۷).

مسیوپلوکه و دندان‌پزشکی نوین در ایران: پلوکه^{۱۳}، در سال ۱۳۲۶م/۱۲۸۶ق، به استخدام دولت درآمد و خبر ورود او به ایران بدین‌ترتیب درج شد: «مسیوپلوکه یکی از صاحب‌صنعتان دولت بهیوی فرانسه است. روز بیستم رجب، وارد دارالخلافه گشته، مصمم به شغل رفع مرض دهان و درد دندان است. حکیم مذکور، دندان که درد می‌کند، بدون اذیت بیرون می‌آورد و در عوض، دندان مصنوعی تازه می‌گذارد که هیچ‌کس تمیز نمی‌دهد که این دندان، مصنوعی است. هر دندانی که سیاه شده باشد یا زنگ زده باشد، پاک می‌کند و دندانی که کرم خورده باشد، رفع کرم‌خوردگی می‌کند که ابداً، دیگر کرم نزنند؛ و هر دهانی که بدبو باشد، معالجه می‌کند و دندان جفتی که روی هم افتاده باشد، جدا می‌کند و دندان اگر کج باشد، راست می‌نماید. در پاریس، به جهت این شغل، نشان‌های افتخار متعدد به او داده‌اند. منزل او، در بیرون دروازه‌دولت، پهلوی خانه‌ی خلیفه‌ی فرنگی است. کتابچه‌ای نیز، در علم و هنر خود نوشته و صورت و شکل شخص با دندان و بی‌دندان را نموده و در وقت آمدن به ایران، در استامبول طبع کرده و مجاناً، به معارف و اعیانی که روزنامه دارند، داده می‌شود» (۴).

10. Dantan
11. Show
12. Olmar
13. Plock

دکترروش: روش^۱ از دانشکده‌ی پزشکی پاریس فارغ‌التحصیل شده و پزشک مخصوص شاهزاده‌عبدالسلطان، والی ولایت گیلان، بود.

دکترویلهلم: ویلهلم^۲ استاد جراحی مدرسه‌ی طب تهران از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱م/۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ق بود. وی از نحوه‌ی تدریس معمول در این مدرسه که به جای روش علمی، مبتنی بر روش نظری و تئوریک بود، راضی و خشنود نبود.

دکتربلان: دکتربلان: لانس^۳ و بلان^۴، در سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳م/۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ق، برای تدریس طبیعیات و به‌عنوان معلم فیزیک و شیمی، به استخدام دولت ایران درآمدند؛ ولی آنان به علت ارتکاب جنایتی در ایران تحت تعقیب قرار گرفتند و از طرف سفارت فرانسه، به کشور خود بازگردانده شدند (۱۸).

دکترمونت و دکتر اودیژنه: مونت^۵ معلم گیاه‌شناسی و اودیژنه^۶ معلم فیزیک بود. اودیژنه در طی مدت پنج‌شش سال در دارالفنون و مدرسه‌ی طب به تدریس اشتغال داشت.

هبنث: هبنث^۷، دندان‌پزشک مظفرالدین‌شاه که دارای اصل و نسب فرانسوی و تحت حمایت آن دولت، ولی تبعه‌ی سوئد بود، سال‌ها در دربار قاجار خدمت کرد.

مادام مارگنو: مارگنو^۸ از دانشکده‌ی پزشکی پاریس و منتخب پنیار بود. وی در این دانشکده به‌عنوان ماما مشغول خدمت بود.

لوکنت: لوکنت^۹، داروساز نظامی درجه‌اولی بود که از سال ۱۹۰۴م در سمت داروساز، با حقوق سالیانه پانزده هزار فرانک در دربار مظفرالدین‌شاه استخدام شد. وی علاوه بر تدریس

1. Roche
2. Wilhelm
3. Lance
4. Lebanon
5. Mont
6. Odigier
7. Hybnnet
8. Margno
9. Leuconte

اعزام دانشجویان پزشکی ایران به فرانسه

اولین گروه دانشجویانی پزشکی ایرانی، در سال ۱۸۱۱م و طی دهه‌ی اول حکومت قاجار، به انگلیس فرستاده شدند. دومین گروه دانشجویان، در سال ۱۸۱۵م که تنها، چهار نفر بودند، به فرانسه اعزام و گروه دیگر دانشجویان که تنها پنج نفر بودند، در سال ۱۸۵۸م به فرانسه فرستاده شدند. بیشترین اعضای گروه اخیر، از میان اولین دانشجویان مدرسه‌ی دارالفنون تهران بودند. اکثر دانشجویان پزشکی (۸۴ درصد) در دو دوره‌ی قاجار و پهلوی به فرانسه فرستاده شدند (۸).

اولین دانشجوی پزشکی ایران، به نام میرزاحاجی‌بابا، در دوره‌ی عباس‌میرزا و صدارت قائم‌مقام، به انگلستان فرستاده شد. دومین دانشجوی پزشکی، میرزاجعفرخان بود که در سال ۱۸۱۵م، همراه چهار دانشجوی دیگر به فرانسه اعزام شد. او بعد از اتمام مطالعات خود، به ایران بازگشت و در تبریز، به کار طبابت پرداخت؛ سپس میرزایحیی، در سال ۱۸۴۵م، به فرانسه فرستاده شد. او به دلیل انقلاب فرانسه و مرگ محمدشاه قاجار (۱۸۳۴ تا ۱۸۴۸م)، نتوانست تحصیلات خود را کامل کند و در سال ۱۸۴۸م، به ایران بازگشت. ۴۲ دانشجوی دیگر که اکثر آن‌ها فارغ‌التحصیل دارالفنون بودند، در سال ۱۸۵۸م، به فرانسه فرستاده شدند. آن‌ها شامل پنج دانشجوی پزشکی به ترتیب زیر بودند:

- میرزارضا علی‌آبادی: میرزارضا، بعد از اتمام تحصیل، به ایران بازگشت و به‌عنوان معلم پزشکی مدرن، در دارالفنون منصوب شد. وی کتابی پزشکی به زبان فرانسه را در تشخیص درد که به‌وسیله‌ی استاد پزشکی، پرفسور گاریسول^۱ نوشته شده بود، ترجمه کرد. او در سال ۱۸۷۷م درگذشت (۲۷).

- میرزاعبدالوهاب کاشانی: وی پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه بود که در سال ۱۸۷۲م در شیراز درگذشت. او از جمله پزشکانی بود که ناصرالدین‌شاه، همواره، از وی مشورت می‌خواست (۲۷).

- جلیل اصفهانی: وی پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه بود که در سال ۱۸۷۱م در رودخانه‌ی جاجرود غرق شد.
- میرزاحسین‌خان آزاد (افشار): وی در سال ۱۸۸۲م از فرانسه به ایران بازگشت. ابتدا، پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه و سپس، پسرش ظل‌السلطان شد. در سال ۱۹۳۶م، به فرانسه مهاجرت کرد و در همان سال، در فرانسه بر اثر تصادف، درگذشت (۲۷).

- میرزاعلی‌نقی: وی در مدرسه‌ی پزشکی پاریس به تحصیل پرداخت و در سال ۱۸۶۱م، به ایران بازگشت. او داروساز مخصوص ناصرالدین‌شاه شد و در سال ۱۹۰۳م، درگذشت (۲۸).

اقدامات پزشکی و درمانی طبیبان فرانسوی در دوره‌ی**قاجار**

تأثیر پزشکی فرانسه در تحولات طب نوین ایران، بسیار چشم‌گیر بوده، تاجایی‌که طب جدید را در ایران، پزشکان فرانسوی پایه‌گذاری کرده‌اند. بخشی از فعالیت‌های فرانسویان عبارت‌اند از:

الف: تشکیل شورای صحتی: از سال ۱۸۹۳م / ۱۳۱۰ق، پزشکان فرانسوی مقیم تهران، گاه‌وبیگاه، برای بررسی مسائل بهداشتی، تشکیل جلسه می‌دادند. این گردهمایی‌ها منجر به تشکیل شورای صحتی ایران شد که هدف اصلی آن، تعیین خط‌مشی بهداشتی برای همگان بود. نقش شورای صحتی در مسائل فوری، از قبیل بروز بیماری‌های واگیردار، مهم‌تر و سنگین‌تر می‌شد. در سال ۱۸۹۵م / ۱۳۱۳ق، به مناسبت شیوع بیماری طاعون در بمبئی، شورا در اجرای مقررات صحتی با دولت ایران همکاری داشت. دکتر شنیدر، دبیرکل این شورا در آن زمان، و اعضایش دکتر طولوزان، دکتر ادکوک^۲ انگلیسی، دکتر مولر^۳ آلمانی و چند پزشک ایرانی، پیشنهادهایی درباره‌ی قرنطینه‌ی مناطق مرزی و خلیج فارس که بیشتر در معرض

2. Adcock
3. Muller

1. Garsolle

آلودگی بود، به مظفرالدین شاه دادند. در سال ۱۸۹۶م/۱۳۱۴ق، شنیدر برای اتخاذ تصمیمات ضروری جهت تشکیل پلیس بهداشت، به مظفرالدین شاه متوسل شد و شورا هم از او در این باره پشتیبانی کرد. اقدامات شورا که به موضوع حفاظت صحتی خلیج فارس مربوط می‌شد، ناشی از بررسی‌ها و تبادل نظرهایی بود که در کنفرانس بهداشتی و نیز، در سال ۱۸۹۷م/۱۳۱۴ق، انجام گرفته بود (۲۹).

شنیدر هنگام عزیمت از ایران، ریاست شورای صحتی را به جانشین خود در دربار، یعنی دکتر کوپن، واگذار کرد. پس از او نیز، دکتر ژرژ این مقام را به عهده گرفت. شورا در سال ۱۹۱۱م/۱۳۲۹ق، به ریاست دکتر ژرژ برای اخذ تصمیمات بهداشتی مؤثر در برابر بیماری وبا که غالباً از جانب مرزهای هند یا خلیج فارس در ایران شیوع می‌یافت، به مطالعه و بررسی پرداخت. شورا دولت ایران را از بروز بیماری طاعون در بوشهر آگاه ساخت و تقاضا کرد که به موجب معاهده‌ی پاریس، در سال ۱۹۰۱م، حکومت ایران، نمایندگان کشورهای خارجی در تهران را از این موضوع مطلع کند. در اول ماه مه ۱۹۱۱م، نودمین جلسه‌ی شورای صحتی ایران، به ریاست دکتر ژرژ تشکیل شد و این آخرین جلسه‌ی شورا قبل از رفتن دکتر ژرژ به فرانسه بود. دکتر گاشه^۲ آخرین رئیس شورای صحتی، پیش از بروز جنگ جهانی اول بود (۱۷).

ب: مدرسه‌ی طب تهران: مهم‌ترین فعالیت پزشکان فرانسوی در ایران، توسعه و پایه‌گذاری مدرسه‌ی طب تهران بود که بنیان دانشکده‌ی پزشکی را در عصر رضاشاه گذاشت. تأسیس این مدرسه، مرهون زحمات دکتر شنیدر و دیگر پزشکان فرانسوی بود که تدریس رشته‌های مختلف پزشکی را به عهده گرفتند. این مدرسه از همان ابتدا به مدرسه‌ی دارالفنون تهران وابسته شد.

ج. درمانگاه‌ها و مؤسسات درمانی: ویلسن^۳، سفرنامه‌نویس عهد قاجار، در سفرنامه‌اش نوشته است: «در ایران، عمل

آلودگی بود، به مظفرالدین شاه دادند. در سال ۱۸۹۶م/۱۳۱۴ق، شنیدر برای اتخاذ تصمیمات ضروری جهت تشکیل پلیس بهداشت، به مظفرالدین شاه متوسل شد و شورا هم از او در این باره پشتیبانی کرد. اقدامات شورا که به موضوع حفاظت صحتی خلیج فارس مربوط می‌شد، ناشی از بررسی‌ها و تبادل نظرهایی بود که در کنفرانس بهداشتی و نیز، در سال ۱۸۹۷م/۱۳۱۴ق، انجام گرفته بود (۲۹).

مهم‌ترین تصمیمی که شورا در ۱۸۹۷م/۱۳۱۴ق گرفت، تهیه‌ی مقررات داخلی قرنطینه‌ها بود؛ ولی اختلاف نظرهایی بر سر مقررات بهداشتی ضروری بین اعضای شورا، به‌خصوص دکتر شنیدر و دکتر طولوزان، پدید آمد. به دنبال مخالفت‌های دکتر آدکوک و دکتر مولر با پزشکان فرانسوی عضو شورای صحتی و سوء تفاهم‌هایی که در این زمینه پیش آمد، شورا، دیگر، به‌طور منظم، به کار خود ادامه نداد و جز در مواقع خاص، جلسه تشکیل نشد. در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ق، به تدریج، این شورا از هم پاشید و تقریباً، از کار بازماند. با تلاش دوفرانس^۱، سفیر فرانسه در تهران، شورای صحتی دولت ایران، مجدداً در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق، به ریاست دکتر شنیدر و با شرکت همی مأموران فرانسوی صحتی تهران و شهرستان‌ها، به‌عنوان اعضای رسمی و در ارتباط با همی سفارتخانه‌های خارجی، کار خود را آغاز کرد.

این شورای بهداشتی جدید، به‌محض اعلام موجودیت، علیه وبایی وحشتناک که در ایالات مختلف ایران شیوع یافته بود، به مبارزه برخاست؛ لیکن توفیقی در مهار آن نیافت و تنها، موفق به کاهش عواقب وخیم آن شد؛ اما در سال ۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق، شورای صحتی توانست طاعونی سهمگین و خوفناک را که به‌شکل ذات‌الریه شروع شده و تا آن زمان، ساکنان دهکده‌هایی زیاد را قتل عام کرده بود، در سیستان خاموش کند. با شیوع این طاعون وحشتناک که از لباس‌های

2. Gash
3. Wilson

1. Do Frans

هیئت اعزامی گاردان^۲، در سال ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹م/۱۲۲۲ تا ۱۲۲۵ ق، تأسیس کرد (۱۱).

د. تأسیس بیمارستان‌ها: در عهد فتحعلی‌شاه، هیئتی همراه ژنرال‌گاردان به ایران آمد. در میان آنان، پزشکی بود که پس از رسیدن به تهران، در سال ۱۸۰۷م/۱۲۲۲ق، درمانگاهی را تأسیس کرد که مورد استقبال و توجه مردم قرار گرفت و در اشاعه‌ی طب جدید در ایران تأثیری زیاد داشت. این پزشک، چندین کودک در تهران را آبله‌کوبی کرد (۱۲): همچنین، بیمارستانی در تهران، در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق، تأسیس شد که در آن نظامی را سازمان‌دهی کردند که افراد بیمار، به‌صورت مجانی، با درشکه به بیمارستان انتقال داده می‌شدند. کسانی که فوت می‌کردند، با همین سرویس به مرده‌شورخانه برده می‌شدند و به درشکه‌رانان یک تومان به ازای هر بیمار پرداخت می‌شد. دکتر مورل فرانسوی، در این عمل، به‌ویژه در مدیریت بیمارستان زنان که راه‌اندازی شده بود، مشارکت می‌کرد (۱۱). در سال ۱۹۱۷م/۱۳۳۵ق، بیمارستانی نظامی و فرانسوی در ارومیه برای کمک به روس‌ها تأسیس شد. کارکنان این بیمارستان، در آوریل ۱۹۱۸م/۱۳۳۶ق، به‌همراه راهبان فرانسوی که در کارهای پزشکی درگیر بودند، آنجا را ترک کردند؛ در نتیجه، بیمارستان «پرس بایتن»^۳ آمریکایی تنها بیمارستان شهر بود؛ زیرا بیمارستان نظامی روسی نیز، با فراخوانی قوای روس، کارش متوقف شده بود (۱۱).

راهبان فرانسوی (دختران خیریه)^۴ نیز، دواخانه و بیمارستان هشت‌تختی کوچکی داشتند که در شهر خسروا، در تهران، تأسیس شد و دکتری نسطوری که در فرانسه تربیت شده بود، آن را اداره می‌کرد. این بیمارستان، در فهرست بیمارستان‌های خارجی مدرن ایران، در سال ۱۹۲۰م/۱۳۳۸ق، آمده است. این بیمارستان به فعالیت خود ادامه داد تا زمانی که بعد از جنگ جهانی اول، تعداد بیمارستان‌های بیگانه، رو به

آبله‌کوبی، مانند ممالک فرنگستان که قبل از ایجاد آبله معمول بود، نبوده و چیزی که از این عمل بر من معلوم گشت، این است که ایرانیان هر مریضی را که آبله داشته و زمان بحران آبله نیز باشد، او را در رختخواب خوابانند و به دواهای نافع‌ای که خودشان تجویز می‌نمایند، به معالجه می‌پردازند» (۳۰).

کوشش پزشکان فرانسوی برای استقرار مراکز پزشکی درمانی، درخور توجه و شایان ذکر است؛ از جمله اینکه دکتر شنیدر، در همان بدو ورود به ایران، درمانگاهی دایر کرد. شنیدر بعدها، در سال ۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق، تصمیم به تأسیس درمانگاهی وابسته به مدرسه‌ی «اتحاد» تهران گرفت؛ اما آرزوی او جامعه‌ی عمل‌نپوشید؛ زیرا از یک طرف وی در سال ۱۹۰۷م، ایران را ترک کرد و از طرف دیگر، وسایل و مواد دارویی لازم برای درمانگاه تأمین نشد. دکتر شنیدر، قبل از ترک ایران، در فکر ایجاد مؤسسه‌ی تولید مایه‌ی آبله در تهران بود و حتی، موفق به جلب موافقت عین‌الدوله، صدراعظم وقت، شده بود تا هزینه‌ای را برای تأمین مخارج آن اختصاص دهد؛ اما این طرح نیز، به علت نبود محل مناسب و رفتن دکتر شنیدر، به دست فراموشی سپرده شد. در سال ۱۳۲۸ق، هیئتی ویژه از شورای صحتی ایران، طرح مربوط به ایجاد درمانگاه دولتی رایگانی را در تهران برای تلقیح مایه‌ی ضدآبله آماده کرد (۳۱). شورا سفارش مایه‌آبله‌ی لازم را به کشورهای اروپایی می‌داد که ارسال آن می‌بایست به تدریج و به‌طور هفتگی، انجام می‌گرفت. نمونه‌یابی نیز از ورقه‌ی تلقیح تهیه شده بود. مرکز مایه‌کوبی برای مناطق مهم تهران، در آن زمان عبارت بود از: مدرسه‌ی طب بیمارستان ایرانی، بیمارستان آمریکایی، شهر نو، سرچشمه و پاچنار.

دواخانه: نخستین (گرچه کوتاه‌مدت) دواخانه‌ی پزشکی اروپایی تهران را دکتر سالواتوری^۱، پزشک دیپلمات فرانسوی

2. Guardan

3. Press Biteen

4. Fills De La Charite

1. Salvatore

هرکس دوپا داشت و می‌توانست فرار کند، برای حفظ جان خود از پایتخت فرار نمود. مردم چنان می‌مردند که گویی برگ از درخت می‌ریزد و باینکه در تهران آماری برای تعیین شمار بیماران وجود ندارد، مع‌ذالک، من تصور می‌کنم که بیش از یک‌سوم سکنه‌ی تهران بر اثر وبا مردند» (۳۴). وی، همچنین، درباره‌ی پیشگیری و جلوگیری از بروز وبا از طرف سفارت فرانسه می‌نویسد:

«در همان روزهای اول که بیماری بروز می‌کرد، از طرف سفارت فرانسه برای جلوگیری از توسعه‌ی بیماری اقداماتی شد؛ من جمله، ما به دربار تأکید کردیم که به وسایل مقتضی به مردم بفهمانند که به‌هیچ‌وجه آب خام ننوشند و همواره، آب را پس از اینکه ده‌پانزده دقیقه جوشید، میل نمایند؛ ولی هیچ‌کس به این حرف گوش نمی‌داد و مردم، همیشه، آب‌های جوی را می‌نوشیدند. ما به‌وسیله‌ی جارچی‌های دربار به مردم گوشزد کرده بودیم که البسه‌ی اموات را بسوزانند و تا آنجا که ممکن است آب‌های مشروب را نیالایند و در چاه‌ها، مرتب، آهک بریزند؛ ولی مردم به اقدامات بهداشتی ما توجهی نداشتند و می‌گفتند مرض از طرف خدا می‌آید؛ اگر خدا خواست ما خواهیم مرد، و گرنه، زنده خواهیم ماند. دیگر از یادآوری‌هایی که ما کردیم این بود که مردم، مطلقاً، سبزی خام نخورند و از خوردن میوه تا آنجا که ممکن است خودداری کنند و در صورتی که میل به خوردن میوه دارند، آن را با شکر بجوشانند؛ لیکن این حرف‌ها در گوش کسی اثر نمی‌کرد» (۳۴).

فعالیت طبی میسیونرهای فرانسوی در ایران عهد قاجار

از نظر خدمات درمانی به معنای عام آن، همچون: ساخت بیمارستان، راه‌اندازی داروخانه، اعزام پزشک و پرستار میسیونر و توزیع دارو، فعالیت‌های میسیونرهای کاتولیک فرانسوی در اصفهان با مبلغان انگلیسی در این شهر، قیاس‌کردنی نیست؛ آن‌ها هرگز نتوانستند با پروتستان‌های انگلیسی در این زمینه برابری و رقابت کنند؛ باین‌حال، مبلغان فرانسوی نیز، با توجه به شهرت پزشکان فرانسوی در ایران

افول گذاشت و در همین زمان نیز، خدمات پزشکی میسیونری فرانسوی که دختران خیریه انجام می‌دادند، متوقف شد (۱۱).

و. بیمارستان نسوان: بیمارستان زنان که بیمارستانی کوچک با بیست تخت بود، تنها در سال ۱۹۱۸م/ ۱۳۳۶ق، به‌صورت کامل، فعال بود. پیشنهاد بیمارستان را امیراعلم در ۵می ۱۹۱۵م/ ۱۴ اردیبهشت ۱۲۹۴ش صادر کرد. دولت این طرح را در ۲۰ جولای ۱۹۱۵م/ ۲۸ تیر ۱۲۹۴ش پذیرفت و ساختمانی دولتی به‌عنوان مکان اولیه‌ی بیمارستان تعیین شد. چنین به نظر می‌آید که دو قابله‌ی فرانسوی برای آموزش قابله‌های ایرانی استخدام شده بودند؛ اما به دلیل جنگ جهانی، این امر صورت نگرفت؛ از این‌رو مادام‌فراسکینا^۱ که به‌عنوان قابله در اروپا آموزش دیده بود و در تهران کار می‌کرد، مسئول این امر شد. مادام‌فراسیکینا جایگزین پزشکی فرانسوی، به نام دکتر درمس^۲ شد که در آنجا تا سال ۱۹۳۴م/ ۱۳۱۳ش ماند. پس از آن، این بیمارستان به‌عنوان مرکز تربیتی مدرسه‌ی طب زنان و نیز، بیمارستانی برای امور زایمان فعالیت کرد. از آنجا که در این زمان، شمار زنان باردار و بیماری که به مریض‌خانه مراجعه می‌کردند، کمتر از انگشتان دست بود، گاه پیش می‌آمد که در طول پانزده تا بیست روز، حتی یک زایمان در این مریض‌خانه انجام نمی‌گرفت؛ مگر اینکه زایمانی غیرطبیعی یا شرایطی استثنایی پیش می‌آمد (۳۲). در بیمارستان نسوان، زنان محتاج و بی‌بضاعت را به‌صورت مجانی و رایگان معالجه و درمان می‌کردند (۳۳).

طیبیان فرانسه و زودودن وبا از تهران

گنت گوینو^۳، وزیرمختار فرانسه در دربار ناصری، درباره‌ی وبای سال ۱۸۵۶م/ ۱۲۷۳ق می‌نویسد: «در سال ۱۸۵۶ بیماری وبای سختی در ایران و تهران بروز کرد و

1. Fraskina
2. Dermes
3. Ghent Gobino

مسیحی‌نشین ارومیه، مدارس و بیمارستان‌هایی بر پا شد (۳۶) و به این ترتیب، هیئت فرانسوی، بر فعالیت خود افزودند. راهب‌های لازاریست‌ها، در سال ۱۸۷۹م/۱۲۹۷ق، در حوالی دروازه قزوین و تهران، مدرسه‌ای بر پا کردند که در آن مکانی برای بیماران مدرسه و سایر بیماران در نظر گرفته شد. آموزش‌های مذهبی به زبان فرانسه و تبلیغات دینی در میان جمعیت بزرگ مسیحیان ایران، از مهم‌ترین انگیزه‌های آغازین ورود لازاریست‌ها به ایران به شمار می‌رفت (۳۷).

درباره‌ی فعالیت پزشکان، پرستاران و تجهیزات درمانی بیمارستان، هیچ اطلاعی در دست نیست. تنها درباره‌ی تعداد شاگردان این مدرسه، اطلاعاتی وجود دارد؛ در سال ۱۸۷۹م/۱۲۹۷ق، در مدرسه‌ی «سن ژوزف»، سیزده معلم به آموزش دویست دانش‌آموز می‌پرداختند (۶).

عوامل پیش‌برنده‌ی حضور فرانسه و طب آن در ایران

عهد قاجار

اگر دولت‌های روس و انگلیس، در ایران بیشتر مبنای استفاده از زور و تجاوزگری در عرصه‌ی سیاسی گذاشته بودند، مبنای فعالیت فرانسویان بر زمینه‌های فرهنگی بود و بسیاری از روشنفکران ایرانی تحت تأثیر افکار و آرای انقلاب فرانسه قرار گرفته بودند. آثار این اثرپذیری را می‌توان در نهضت مشروطیت ایران، به‌خوبی، ملاحظه کرد. از طرف دیگر، مبلغان فرانسوی نیز که از قدیم‌الایام در ایران فعالیت می‌کردند، همچنان، تحت حمایت دولت فرانسه، به کار خود ادامه می‌دادند. نکته‌ی مهم آنکه دولتمردان فرانسه، پس از انقلاب ۱۷۸۹م/۱۲۰۴ق، گرچه در داخل کشور خود، با نفوذ کلیسا مبارزه کردند، در خارج از فرانسه، از فعالیت گروه‌های بشیری، به‌شدت، حمایت می‌کردند (۷).

از زمان فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ق)، جنگ‌های طولانی روس‌ها ضد ایران و همچنین، دخالت‌های بی‌پایان انگلیسی‌ها، سبب شد تا ایران به فرانسه روی آورد. از این

نهایت تلاش خود را برای انجام خدمات درمانی در نقاطی که میسیونرهای آن‌ها استقرار می‌یافتند، داشته‌اند (۷): به‌ویژه خواهران نیکوکار که در زمینه‌ی ساخت درمانگاه‌های خیریه و انجام خدمات پزشکی و پرستاری و نیز، راه‌اندازی و اداره‌ی پرورشگاه‌ها، آثاری درخشان از خویش بر جای نهاده‌اند. آنان، در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ق، مؤسسه‌ای خیریه در ارومیه داشتند که در آن هفتاد دختر و پسر خردسال را نگهداری و پرستاری می‌کردند (۱۷). خدمات درمانی در جلفای اصفهان نیز، با ورود خواهران نیکوکار، در سال ۱۹۰۴م/۱۳۲۲ق، ایجاد شد. آنان در این شهر درمانگاه یا مؤسسه‌ای خیریه تأسیس کردند که در آنجا حدود شصت بیمار به سرپرستی خواهرشوبله^۱ بستری بودند.

لازاریست‌ها و خدمات پزشکی

فرانسه نیز، از جمله کشورهای بود که برای گسترش نفوذ استعماری خود، از کیش ترسایان، به‌عنوان ابزار، سود برد. فرانسویان، هیئت‌هایی متعدد را به ایران روزگار صفوی اعزام کردند (۷). در سال ۱۸۳۹م/۱۲۵۵ق، فرمان آزادی فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی ترسایان صادر شد. در زمان محمدشاه قاجار و در نتیجه‌ی تحمیل قراردادهای یک‌طرفه‌ی گلستان و ترکمانچای، بر نفوذ و اهمیت فرانسویان افزوده شد؛ زیرا محمدشاه به عللی مختلف، از هیئت مزبور آشکارا حمایت می‌کرد؛ عللی مانند وجود معلم فرانسوی در دربار او، بدبینی‌اش به انگلیس و روسیه و رقابت با دولت عثمانی که اواسط قرن سیزده قمری به سرکوب عیسویان مبادرت ورزیده بودند و به این دلیل محمدشاه با میدان‌دادن به مسیحیان در صدد بود از فرانسوی‌ها به‌صورت سدی در مقابل آن تهاجم‌ها استفاده کند (۳۵). محمدشاه در سال ۱۸۳۸م/۱۲۵۵ق، فرمانی را تحت عنوان «اصل آزادی اعتقاد» صادر کرد و به این صورت، به همه‌ی ادیان و به‌خصوص، عیسویان آزادی اعتقادی داد. متعاقب این فرمان، در اکثر شهرها و روستاهای

1. Shabella

2. St. Joseph

روسی، فرانسوی، اتریشی و حکیم‌باشی‌های ایرانی، در دربار شاهان قاجار حضور داشتند.

نیاز دولت فرانسه: دولت‌های اروپایی، از جمله فرانسه، در دوره‌ی استعمار، برای حفظ منافع خویش در شرق و انعقاد قراردادهای سیاسی و تجاری، افرادی را به ایران می‌فرستادند که در میان آنان پزشکانی نیز، حضور داشتند. این پزشکان کارهای سیاسی، پزشکی و دینی انجام می‌دادند. در این زمینه، باید از اهمیت اطلاعاتی یاد کرد که پزشکان درباری گردآوری می‌کردند. این اطلاعات، از یک سو، دست‌اول بودند و از سوی دیگر، تصمیم‌بالاترین مقامات کشور به حساب می‌آمدند. شاید سخن دکتر فوریه، طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه در سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ق، بهترین گواه بر اهمیت این اطلاعات باشد. او در کتاب سه سال در دربار ایران این‌گونه می‌نویسد: «من که مدت چند سال طبیب مخصوص اعلیحضرت ناصرالدین‌شاه و شاهد عین زندگانی روزانه‌ی او بوده‌ام، چیزهایی دیدم که نه تنها هیچ مسافری نمی‌تواند بر آنها اطلاع یابد، بلکه آگاهی از آنها بر هرکسی نیز که در ایران مقیم شده باشد، مشکل است. این سفرنامه شرح همان مشاهداتی است که دیگران از آنها اطلاعاتی ندارند و آن در حکم پرده‌ای است که کم‌وبیش، حقایق مربوط به شاه ایران در آن نقاشی شده است» (۱۶).

آگاهی‌بخشی طبی توسط روزنامه‌ها: از نقش روزنامه‌ها در آشناسازی مردم با طب نوین نمی‌توان گذشت. چاپ گزارش‌ها و نمونه‌هایی از طب نوین در این حوزه راهگشا بودند؛ برای مثال، در شماره‌ی ۴۸۲ روزنامه‌ی دولت علیه آمده است که میرزا محمدحسین، فرزند میرزا احمد طبیب، مدت پنج سال در فرانسه به تحصیل پزشکی پرداخته و پس از مراجعت به ایران علاوه بر تدریس در دارالفنون، در منزل خود هر روز صبح، به معالجه‌ی مردم مشغول است و اضافه کرده که هرکس طالب معالجه است، در اوقات ذکرشده به وی مراجعه کند (۳۸).

پس، ضرورت روابط سیاسی، از یک سو و از سوی دیگر، اهمیت جهانی زبان فرانسه، سبب شد تا بسیاری از شاهزادگان و حکام و اعیان، به این زبان روی آورند. آنها آموزگاران خصوصی و پزشکان فرانسوی را برگزینند تا به هیئت‌های لازاریست فرانسوی روی خوش نشان دهند و به آنها اجازه دهند تا نخستین مدارس فرانسوی‌زبان را در میان اقلیت‌های فرانسه در ایران تأسیس کنند؛ بدین‌سان، در این دوره، زمینه‌هایی مناسب برای نفوذ زبان و فرهنگ فرانسه در ایران فراهم شد (۵). از میان فعالیت‌های فرهنگی، طبابت و پزشکی، گسترده‌تر بود.

حال، این سؤال مطرح می‌شود که چرا دولت‌های اروپایی، به‌ویژه فرانسه، در سده‌ی نوزدهم و دوره‌ی قاجار، از میان مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی، به پزشکی و طب اهمیتی زیاد می‌داده است؟ چرا بهترین پزشکان خود را به ایران اعزام می‌کرده است؟ چه نیروی جاذبه‌ای زمینه‌ی حضور پزشکان فرانسوی را در ایران فراهم می‌آورده است؟

پاسخ را می‌توان در مسائل زیر یافت:

نیاز عامه‌ی مردم ایران به طب نوین: براساس گزارش جهان‌گردان و سفرنامه‌نویسان خارجی یا متن‌های تاریخی ایران، وضع بهداشت جامعه‌ی ایران در دوره‌ی قاجار، فلاکت‌بار بوده و جامعه‌ی آن روز، نمی‌توانسته است امراض گوناگون و فراگیری چون: وبا، آبله، تب نوبه، اسهال، خناق (دیفتری) و... را کنترل کند؛ بنابراین، طبیعی است که برای مردم، مقابله با این بیماری‌ها در اولویت بوده باشد. از سوی دیگر، طب سنتی مرسوم در ایران، نتوانسته بود به نیاز ضروری مردم پاسخ دهد؛ از این رو، علی‌رغم تعصب مذهبی، مردم در همه‌ی شهرها از پزشکان خارجی استقبال می‌کردند.

نیاز شاهان قاجار: به لحاظ سنت حاکم بر ایران که وجود حکیم‌باشی و پزشکان ماهر در دربار سلسله‌های گوناگون ضروری بود، شاهان قاجار نیز به سلامتی خود بسیار اهمیت می‌دادند؛ چنان‌که گاهی بیش از چهار یا پنج پزشک انگلیسی،

نمودی از کارکرد سیاسی طبابت

برخی از پزشکان فرانسوی دربار قاجار نیز، با پزشکان و سیاستمداران انگلیسی در ایران همکاری می‌کردند. یکی از آن‌ها، دکترارنست کلوکه بود که در سال‌های ۱۸۴۶م/۱۲۶۲ق به ایران آمد و پزشک مخصوص محمدشاه شد. او با دکتردیکسن ارتباط داشت و شاید بسیاری از گزارش‌های دربار را به انگلیسی‌ها می‌رساند. دکترطولوزان یکی دیگر از پزشکان فرانسوی بود که ناصرالدین‌شاه بسیار به او علاقه داشت. او نزدیک ۳۸ سال (۱۸۵۹ تا ۱۸۹۷م) پزشک دربار بود و لقب «حکیم‌باشی» گرفت (۱۷). به اعتقاد برخی از نویسندگان دوره قاجار، از جمله محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، طولوزان نیز با انگلیسی‌ها همکاری داشت.

اعتمادالسلطنه، دکترطولوزان را دوست انگلیسی‌ها و مسبب اصلی دادن امتیاز بانک و تنباکو به آن‌ها می‌دانست (۱۲).

گونه‌شناسی حضور و عملکرد پزشکان فرانسوی در دوره قاجار

با توجه به دلایل ذکرشده برای حضور فرانسویان و بررسی عملکرد طبیبان فرانسوی در ایران عهد قاجار، می‌توان به شناخت گونه‌های این امر پرداخت. در این قسمت، ضمن بیان اسامی پزشکان مطرح فرانسوی در ایران عصر قاجار، به گونه‌شناسی فعالیت‌های پزشکی و درمانی آنان در این عهد پرداخته شده است (جدول ۱).

جدول شماره ۱- اسامی و فعالیت پزشکان فرانسوی

ردیف	نام پزشک	ملیت	دوره حضور در ایران	حوزه فعالیت	تخصص	گونه‌ی مهم اقدامی	تاریخ حضور در ایران
۱	لابات	فرانسه	دوره محمدشاه	دربار	-	-	۱۲۶۰ تا ۱۲۵۸ ق / ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۲ م
۲	ارنست کلوکه	فرانسه	محمدشاه و ناصرالدین‌شاه	دربار	جراح	همکاری با دکتردیکسن و دکترکورمیک برای مقابله با وبا در سال ۱۲۶۲ ق و جراحی سنگ کلیه	۱۲۸۱ تا ۱۲۶۳ ق / ۱۸۶۴ تا ۱۸۴۶ م
۳	طولوزان	فرانسه	ناصرالدین‌شاه	دربار و دارالفنون	پزشک مخصوص	پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه، سرپرست مدرسه‌ی طب دارالفنون، همکاری در واگذاری برخی امتیازات.	۱۳۱۴ تا ۱۲۷۶ ق / ۱۸۹۷ تا ۱۸۵۹ م
۴	ژان باتیست فوریه	فرانسه	ناصرالدین‌شاه	دربار	پزشک خاص شاه	-	۱۳۰۶ تا ۱۳۰۶ ق / ۱۸۹۲ تا ۱۸۸۹ م
۵	سورل	فرانسه	ناصرالدین‌شاه	دربار شاهزاده ظل‌السلطان	-	-	۱۳۱۸ تا ۱۳۰۴ ق / ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۷ م
۶	روش	فرانسه	ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه	دربار شعاع‌السلطنه والی فارس	-	-	۱۳۱۸ تا ۱۳۱۷ ق / ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۰ م
۷	فورته	فرانسه	ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه	دربار عضدالسلطان والی گیلان	-	-	-

ردیف	نام پزشک	ملیت	دوره‌ی حضور در ایران	حوزه‌ی فعالیت	تخصص	گونه‌ی مهم اقدامی	تاریخ حضور در ایران
۸	بوسیر	فرانسه	ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه	گمرکات خلیج فارس	-	تأسیس درمانگاه در بوشهر ۱۹۰۲-۱۹۰۴ م.	-
۹	ژرژ	فرانسه	مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه	دارالفنون	مدرس فیزیولوژی و آسیب‌شناسی	-	-
۱۰	هبنث	فرانسه	مظفرالدین شاه	دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه	دندان‌پزشک	-	-
۱۱	بونگران	فرانسه	مظفرالدین شاه	پزشک خاندان مظفرالدین شاه	-	-	-
۱۲	گاشه	فرانسه	مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه	دارالفنون	تدریس فیزیولوژی	-	-
۱۳	دوشن مارولا	فرانسه	مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه	دارالفنون	معلم امراض خارجی	-	-
۱۴	کوپن	فرانسه	مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه	دربار محمد علی شاه	-	-	۱۳۲۸ تا ۱۳۱۸ ه.ق / ۱۹۱۰ تا ۱۹۰۱ م.
۱۵	راتوله	فرانسه	مظفرالدین شاه	دارالفنون	چشم‌پزشک و جراح بیمارستان‌های دولتی	-	۱۳۱۳ تا ۱۳۱۱ ق / ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۴ م
۱۶	ژوستین شنیدر	فرانسه	مظفرالدین شاه	رئیس بهداری قشون ایران، رئیس مدرسه‌ی آلیانس فرانسه و عضو شورای عالی معارف	پزشک مخصوص مظفرالدین شاه	تأسیس مجلس حفظ‌الصحه	۱۳۲۶ تا ۱۳۱۲ ق / ۱۹۰۷ تا ۱۸۹۳ م
۱۷	ویلهم	فرانسه	مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه	استاد جراحی مدرسه طب تهران	جراح	-	۱۳۲۹ تا ۱۳۲۴ ق / ۱۹۱۱ تا ۱۹۰۶ م
۱۸	لانس	فرانسه	احمدشاه	تدریس طبیعیات و به‌عنوان معلم فیزیک	علوم طبیعیات و فیزیک	-	۱۳۳۱ ق / ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳ م.

ردیف	نام پزشک	ملیت	دوره‌ی حضور در ایران	حوزه‌ی فعالیت	تخصص	گونه‌ی مهم اقدامی	تاریخ حضور در ایران
۱۹	لبلان	فرانسه	احمدشاه	تدریس طبیعیات و معلم فیزیک	علوم طبیعیات و فیزیک	-	۱۳۳۱ق/۱۹۱۲تا ۱۹۱۳م
۲۰	اولمار	فرانسه	مظفرالدین‌شاه	مدرسه طب تهران	استاد فیزیک و شیمی	-	۱۹۰۵م.
۲۱	لوکت	فرانسه	مظفرالدین‌شاه	مدرسه طب تخصص گمرکات ایران	داروساز	-	۱۹۰۴م
۲۲	اودیژییه	فرانسه	احمدشاه	معلم دارالفنون و مدرسه طب	گیاه‌شناس	-	-
۲۳	منار	فرانسه		از محققان به نام انستیتو پاستور پاریس	نخستین رئیس انستیتو پاستور ایران	-	۱۳۴۴تا ۱۳۳۷ق/ ۱۹۲۵تا ۱۹۱۹م
۲۴	دانتان	فرانسه	مظفرالدین‌شاه		-	-	۱۹۰۵م
۲۵	مونت	فرانسه	پزشک احمدشاه	مدرس دارالفنون و مدرسه‌ی طب و پزشکی دربار	-	-	-
۲۶	دوکلو	فرانسه		معلم فیزیک	-	-	-

در این قسمت مشخص شده است که پزشکانی از فرانسه با تخصص‌های مختلف همچون، جراحی، گیاه شناسی، دارو سازی، دندانپزشکی، چشم پزشکی و .. در دوره قاجار به فعالیت می پرداختند و مراکز درمانی چون بهداری، بیمارستان، تاسیس مجلس حفظ الصحه و انستیتو پاستور را در ایران دوره قاجار ایجاد کردند.

طبق شکل شماره‌ی (۱) نیز بررسی‌های گونه‌شناسی، حاکی از این است که در میان کشورهای اروپایی، فرانسه بیشترین حضور پزشکی در دوره قاجار و بیشترین آثار را در طب نوین پزشکی ایران داشته است. در دربار شاهان قاجار، عمدتاً، حضور طبیبان فرانسوی، بیشتر از سایر ملل بوده است. در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه، به دلیل بیمار بودن شاه، بیشترین تعداد پزشک فرانسوی را در این دوره شاهدیم. شکل شماره (۲)

وام‌واژه‌های پزشکی زبان فرانسه در فارسی

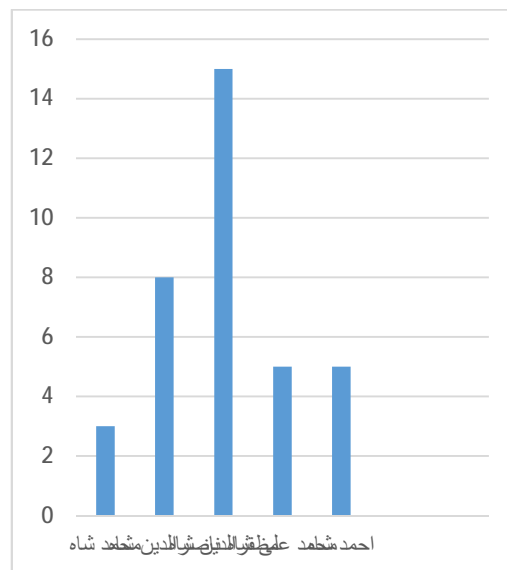
در زبان فارسی، تعداد واژه‌های فرانسوی، به‌مراتب، بیشتر از زبان‌های دیگر اروپایی است (۳۹). واژه‌های دارای ریشه‌ی فرانسوی که در زبان فارسی معمول شده‌اند و به‌صورت وام‌واژه‌هایی درآمده‌اند، به‌فراوانی، یافت می‌شوند. دلیل آن شاید به دوران قاجار برگردد که عمده‌ی روابط ایران و غرب، با فرانسویان بوده است.

شمار این وام‌واژه‌ها در لغت‌نامه‌ی دهخدا، نزدیک به ۸۲۰ فرهنگ معین ۱۷۰۰، فرهنگ عمید ۱۶۰۰ و فرهنگ مشیری ۱۲۰۰ واژه است. جدول شماره‌ی (۲)، وام‌واژه‌های طبی فرانسوی را نشان می‌دهد (۴۰).

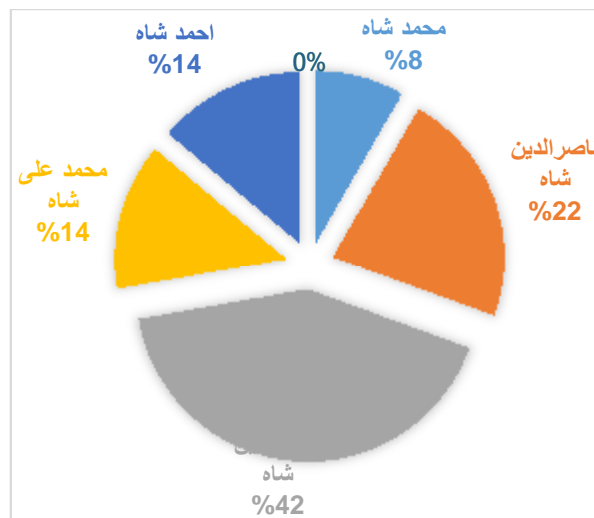
جدول شماره‌ی ۲- وام‌واژه‌های طبی فرانسوی در زبان

فارسی

واژه‌ی فرانسوی	واژه‌ی فارسی	معنی فارسی
Appendice	آپاندیس	نوعی بیماری
Abces	آبسه	چرک و ورم چرکی، به معنی آماس، ورم و التهاب چرکین.
Épidémie	اپیدمی	همه‌گیر
Allergie	آلرژی	حساسیت
Influenza	آنفلوانزا	نوعی بیماری
Infarctus	آنفارکتوس	مرگ قسمتی از نسج بدن که جریان خون به آن قطع شده باشد و در فارسی معادل سکته‌ی قلبی.
Oreillons	اوریون	بیماری اوریون یا گوشک که از oreille که به معنی گوش است آمده است.
Ouvert	آئورت	بخشی از بدن
Bacillus	باسیل	نوعی عامل بیماری آسم، معادل پارسی نوعی بیماری
Bactérie	باکتری	



شکل شماره‌ی ۱- فراوانی حضور پزشکان فرانسوی در دربار قاجار، به تفکیک



شکل شماره‌ی ۲- درصد فراوانی حضور پزشکان فرانسوی در دربار شاهان قاجار

نتیجه‌گیری

حضور فرانسه در ایران عهد قاجار، در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، حضوری همه‌جانبه، منسجم و هماهنگ بوده است. از جمله حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، مقوله‌ی طبابت است که از بهترین ابزارهای توجیهی حضور آن کشور در موقیعت‌های گوناگون بود. پزشکان فرانسوی در دربار شاهان قاجار و در میان عامه‌ی مردم حضوری پررنگ و فعال داشتند. آنان به غیر از طبابت، در امور دیگر نیز فعالیت می‌کردند؛ به‌عنوان نمونه، گاهی اطلاعات مهم سیاسی را به مقامات سیاسی گزارش می‌دادند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از پزشکان درباری فرانسوی، ابتدا، از پزشکان ارتش فرانسه بودند که به تدریج، به ایران اعزام و گاهی برای پیشبرد اهداف سیاسی دولت متبوع خود، وارد شهرهای مختلف شدند. همکاری با جریان‌های میسیونری و استفاده از حرفه‌ی خود در هموارکردن راه تبلیغ میسیونرها، یکی دیگر از زمینه‌های فعالیت پزشکان فرانسوی بود؛ بنابراین، بی‌شک، پیوندی ناگسستن میان عناصری مانند دین، مذهب و سیاست با طبابت، در اهداف و عملکردها وجود داشته است؛ به‌گونه‌ای که حرفه‌ی انسان‌دوستانه و نوع‌دوستانه‌ی پزشکی در قالب تأسیس داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها، ارائه‌ی امکانات پزشکی و...، از سویی، هم سبب جلب اعتماد عامه و هم در کانون توجه شاهان و درباریان قرار می‌گرفت. این امر سبب شد که فرانسه در ایران، از میان کشورهای اروپایی، بیشترین عملکرد و حضور پزشکی را در دربار قاجار و جامعه‌ی ایران داشته باشد که صرف‌نظر از همه‌ی منافع کسب‌شده برای دولت وقت فرانسه، سبب تحول در تاریخ پزشکی نوین ایران شد. بیشترین اعزام محصل به کشورهای اروپایی و بیشترین تعداد پزشک خارجی در ایران، از کشور فرانسه و همچنین، بیشترین اعتبار و اعتماد دربار شاهان قاجار برای طبیبان فرانسوی بود.



دکتر ژوزف دزیره طولوزان (منبع: فرادید)



دکتر ژان باتیست فوریه (منبع: فرادید)



مسیوپلوکه: دندان‌پزشک فرانسوی در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه (منبع: فرادید)

منابع

- 1- Haeri A. The first confrontation of Iran's thinking with the bourgeoisie of the west. Tehran: Amirkabir, 2000. p 29-26. [in Persian]
- 2- Algod C. Iranian Medical History and Eastern Caliphate Territories. Translated by Bahar Forghani. Tehran: Amirkabir; 2008. p489-91,550.,71. [in Persian]
- 3- Tajbakhsh H. The veterinary and Medicine history of Iran. Volume 2. Tehran: The Organization of Veterniray; 1997. p576. [in Persian]
- 4- Hashemian A. Recruiting the first European dentist in 1293 and Establishment of modern dentistry in Iran. Library, Archives and Prescription: Ganjina Document. 2004; 49&50: 16-29. [in Persian]
- 5- Soltanian A. How to influence the French language in Iran, with the role of schools (from the beginning of the Qajar period to World War I). Historical Research. 2013; 4(1): 112-31. [in Persian]
- 6- Qasemi Pouya E. A New School in the Qajar Period of Baniyan and Leaders. Tehran: Center for Academic Publishing; 1998. P23, 103-24. [in Persian]
- 7- Kajbaf A, Dehghannejad M. French missionaries in Isfahan, Qajar era. Jostarha-ye Tarixi (Historical Studies). 2008; 21(3): 215-48. [in Persian]
- 8- MH Azizi, F Azizi. History of cholera outbreaks in Iran during the 19th and 20th Centuries. Middle East J Dig Dis. 2010; 2(1): 51-5. [in Persian]
- 9- Rostaei M. History of medicine and medicine in Iran (from the Qajar era to the end of the era of Reza Shah narrative of documents). Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 2003. p245, 273-.833. [in Persian]
- 10- Ringer M. Education, Religion, and the Discourse of Cultural. Tehran: Phoenix; 2002. P97. [in Persian]
- 11- Flora W. Iranian hospitals during the Safavid and Qajar era. by Dr. Iraj Nabi Pour. Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences; 2015. P112,117,126-7, 230-31. [in Persian]
- 12- Etemad ol saltane M. fourty years of the Iran history in period of the Nasser a Din shaah kingdom. Vol 1. Tehran: Mythology; 1985. P32,118,555-4. [in Persian]
- 13- Diulafova J. Madame Diolafa's Travelogue. Translated by Farro Vashi. Tehran: Storyteller; 1999. p 118. [in Persian]
- 14- Archives of the National Library and Documentation Center. Dr. Toulouse's instructions for better treatment of the king. Document numbe: 293-2306. [in Persian]
- 15- Right D. The British between to Iranian. Translated by Eskandar Deldam. Tehran: Faarokhi; 1986. p.247. [in Persian]
- 16- February J. Three years against Iran. Translated by Abbas Eqbal. Tehran: Par Publication; 1985. p77. [in Persian]
- 17- Ghaffari A. The history of Iran-France relations from the assassination of Naser-al-Din Shah to World War I. Tehran: Academic Center; 1990. p45.96.99.100,103,172. [in Persian]
- 18- Mahboubi Ardakani Hussein . The history of new civilization institutions in Iran. Tehran: University of Tehran; 1976. p.278,281. [in Persian]
- 19- Sarmadi M. Research in the history of medicine and the world of medicine from the beginning to the present. Volume 1. Tehran: ;1999. p.133. [in Persian]
- 20- Brown E. One of years between Iranian. Translated by Zabieolah Mansori. Tehran: Marefaat Center; 1968. p.102. [in Persian]
- 21- Washard J. Twenty years in Iran. Translated by Ali Pirnia. Tehran: Novin; 1994. p.202. [in Persian]
- 22- Ayati A. Tthe Mozafar o Din shah confidebtial disease file. Contemporary History of Iran. 2006; 34: 186-230. [in Persian]
- 23- Ghodsi M. Fifty years history of Pasteur Institute of Iran services. Tehran: Pasteur Institute of Iran; 1971. p.5-14. [in Persian]
- 24- Pour Shalchi M. Reza Shah Kazakh: Based on French Foreign Ministry documents. Tehran: Firouze; 2005. p. 421. [in Persian]
- 25- Archives of the National Library and Documentation Center. Recruitment of French medical specialist to Institute of Pasteur. Document number: 240 -10836. p.1,5. [in Persian]

- 26- Archives of the National Library and Documentation Organization of Iran. Dr. Lukant's election to the court of Mozaffar al-Din Shah Document number: 240008825. [in Persian]
- 27- Sarmad GA. Sending Student Abroad in Qajar Period. Tehran: Foundation Publication 1993. p. 228-9,242,304-05,390. [in Persian]
- 28- Hafizi MA. Medical schools, pharmacy, dentistry, hospitals and faculties of Tehran University. Tehran: Tehran University; 1951. p.36. [in Persian]
- 29- Hashemian H. [Majles-e Hefzol al-She-e]. Payame Baharestan. 2013; 11(2): 55-81. [in Persian]
- 30- Wilson C. Iranian social history in the Qajar era. Translated by Seyyed Abdullah. Tehran: Zarrin; 1984. p.160. [in Persian]
- 31- Archives of the National Library and Documentation Center. Determine the budget for smallpox salaries. Document number: 240-050158.p1. [in Persian]
- 32- Melkized E. Analysis of the process of midwifery activities in the Reza Shah Healthcare Organization. Historical research, Quarterly Treasury of Documents. 2015; 87: 58-73. [in Persian]
- 33- State Department Archives. Treatment of women in Naswan Hospital. 1921; Carton2. File30. [in Persian]
- 34- Goobino J. Three years in Iran. Translated by Zabiullah Mansouri. Tehran: Farrokhi; 1975. p. 93-4. [in Persian]
- 35- Ntagh H. Cultural exchanges in Iran (1837-1921), with the introduction of Fereydoun Adamit. Tehran: Cultural-Artistic Institute; 2002. p.174. [in Persian]
- 36- Doserci k. The extraordinary embassy of Kent doserci. Translated by Ehasn Eshraghi. Terhan: Center of Academic publication; 2012. p.187. [in Persian]
- 37- Korzan G. Iran and the case of Iran. Vol 1. Translated by Gholamali Vahid Mazandarani. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1988. p.689. [in Persian]
- 38- Mirza Muhammad Hussein Taught at Dar al-Fanon. Government Newspaper Iran. 1812; number 482. [in Persian]
- 39- Zomorodian R. A dictionary of European words in Persian (with the word barish). Mashhad: Astan Qods Razavi Institute of Printing and Publishing; 1994. p.10. [in Persian]
- 40- List of French loans in Farsi. <http://www.shereiran.ir/site/page/56?userid=97&articleid=253> (accessed on: 219)

Study of the Role of France in the History of Medicine and Health Services of the Qajar Era

Zeinab Karimi^{*1}, Mostafa Nadim², Fatemeh Binshifar³

¹ PhD Student of Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

² Associate Professor, Interdisciplinary Research Center for Islamic Studies and Health Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

³ PhD Student of Islamic Iran History, Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

In the Qajar era, European countries deployed many doctors accompanied by their military, religious, and political groups to Iran consistent with their political goals and interests. Meanwhile, the role of France was more and more significant than the rest of European countries. This essay aims to introduce French physicians, to express the performance of French physicians in Iran during the Qajar period, to introduce the activities and extent of the influence of French physicians on the medicine of the Qajar period, and to examine the elements that advance the presence of French physicians in Iran during the Qajar era. This research was conducted using library resources and descriptive-analytical method. The findings indicate that the influence of French medicine on the developments of modern medicine in Iran was very significant, to the extent that the modern medicine was based on French physicians in Iran. Overall, the French effects on medicine in Iran can be found in two forms: establishment of the hospital and clinics and the formation of a health council. In addition, French physicians took important steps in the field of medical education such as ophthalmology, surgery, microbiology, vaccination, writing medical books, and quarantine to prevent communicable diseases. Therefore, French physicians, unlike other European countries, which only improved their health status, also evolved in the history of Iranian medicine. Finally it must be said the Qajar community was well-received by French medicine and physicians; Because both the Qajar court and the community were in need of medical care and the French government needed a comprehensive medical presence in Iran to achieve its political and economic goals.

Keywords: Health care, Medicine, France, Qajar.

* Corresponding Author: zeinabkarimi3197@gmail.com